

## گزارش وضعیت کنونی طبقه کارگر و جنبش کارگری ایران

نادیا صمدی

بیست سوم دی ماه هشتاد و شش

یکی از موضوعات مهم و پیچیده در حقوق اساسی کار موضوع تشکلهای مستقل کارگری، کارفرمایی و یا تشکل مشترک است. هدف تمامی این تشکلهای حمایت از منافع گروه‌های عضو می‌باشد. ایجاد این تشکلهای یک پدیده اجتماعی است و البته وقتی می‌تواند به عنوان یک پدیده اصیل در پیکره حقوق کار قرار گیرد که جامعه دارای تشکلهای خود جوش آزاد و غیر وابسته کارگری کارگری و کارفرمایی باشد. در چنین شرایطی است که این تشکلهای می‌توانند نقش تعیین کننده‌ای در راستای ایجاد نظم در روابط کار و استقرار عدالت اجتماعی برعهده بگیرند. اعلامیه جهانی حقوق بشر در بند ۴ ماده ۲۳ حق تشکیل و عضویت در اتحادیه‌ها را به عنوان یک حق بشری شناخته است. ماده مذکور اعلام می‌دارد که هر کس حق دارد برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه‌ها نیز شرکت کند.

در ماده ۸ میثاق بین المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نیز اعلام می‌کند که کشورهای طرف میثاق باید حق تشکیل اتحادیه، عضویت در آن و فعالیت آزادانه این اتحادیه‌ها را بدون اعمال هیچ محدودیتی برای حفظ حقوق و آزادی‌های فردی و مصالح امنیت ملی و نظم عمومی در یک جامعه دموکراتیک تضمین کند. این در حالیست که در قانون کار فعلی جمهوری اسلامی ایران نقش تشکلهای کارگری نادیده گرفته شده است و از سویی دیگر مقاله نامه‌های ۸۷ و ۹۸ سازمان جهانی کار که سنگ بنای تشکلهای کارگری است در ایران اجرایی نمی‌شود.

قانون کار فعلی در شرایطی به تصویب رسید که سازمان‌های واقعی کارگری مثل انجمن همبستگی سندیکاهای کارگران ایران و سازمان سندیکای کارگران و نمایندگان راستین کارگران از صحنه‌های کار و تولید حذف شده بودند. آن بخشی از قوانین موجود که مانع تشکل‌یابی واقعی کارگران در کشور است، به خصوص فصل ششم قانون کار است که طرح ایجاد تشکل‌های کارگری در محل کار را بررسی و سازماندهی کرده است، فصل ششم قانون کار سراسر متناقض است با اصول ۲۶ و ۲۷ قانون اساسی و مقاله نامه ۸۷، تبصره سه ماده ۲۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و منشورهای جهانی حقوق بشر، همچنین اصل آزادی انسان‌ها را در انتخاب تشکل مورد نظر خودشان از آنها می‌گیرد. به علاوه دخالت عوامل غیر مسئول از دیگر موانع رشد و ایجاد سندیکاهای مستقل و آزاد کارگری است.

حمید حاج اسماعیلی یک فعال کارگری معتقد است: شوراها و کارگری اسلامی، انجمنهای صنفی و خانه کارگر، نهادهایی هستند که با کنترل دولت به فعالیت مشغول‌اند. اساسنامه‌های همشکل در این نهادها و تعیین کارگران معتقد به ایده‌های عقیدتی مورد تایید دولت به عنوان نمایندگان کارگران مانع از آن بوده است که طیف وسیع کارگران این نهادها را نمایند و سخنگوی خود بدانند.

کارگران ایران بسیار از موقعیت خودشان ناراضی هستند که براساس داده‌هایی که وجود دارد این بخاطر ضعف تشکلهای کارگری در طی سالیان گذشته بوده است که امروز این موقعیت را کارگران در ایران دارند. لذا ما فکر می‌کنیم که سازمان یافتن کارگران در سندیکاهایی که مطابق استانداردهایی که در جهان وجود دارد می‌تواند بسیاری

از مشکلات را برطرف کند.

حمید حاج اسماعیلی در رابطه با نقش تشکلهای کارگری معتقد است: تا زمانی که تشکلهای کارگری و کارفرمایی در ایران به صورت مستقل فعال نشود و دولت نقش نظارتی خود را ایفا نکند، اصل سه جانبه گرایی رعایت نمی شود. این فعال کارگری در بخش دیگری از سخنان خود رعایت اصل سه جانبه گرایی را موجب رونق امر کار و تولید در کشوری داند و می گوید: تا زمانی که اصل سه جانبه گرایی در ایران به درستی رعایت نشود کار و تولید هم رونق نمی گیرد.

وی با اشاره به عدم رعایت مقوله نامه های بنیادین در سازمان جهانی کار یاد آور می شود: طی سالهای پس از انقلاب تا کنون ایران تنها یکی از مقوله نامه های سازمان جهانی کار را به تصویب رسانده است این در حالیست که سه مقوله نامه بنیادین سازمان جهانی کار تا کنون به تصویب نرسیده است.

وی درخصوص اجرای مقوله نامه ۹۸ سازمان جهانی کار می گوید: اجرای مقوله نامه ۹۸ سازماندهی نهادهای کارگری و کارفرمایی را در ایران به دنبال دارد، که حاصل برآیند آن تشکیلات کارگری می باشد که تا کنون اجرایی نشده است.

حاج اسماعیلی اجرای مقوله نامه های بنیادین را پیش نیاز تشکیل نهادهای کارگری و کارفرمایی می داند و معتقد است: نهادهای کارگری در ایران براساس اجرای مقاونامه های ۸۸ و ۹۸ سازمان جهانی کار تحقق می یابد.

این فعال کارگری در بخش دیگری از سخنان خود شوراهای اسلامی کار را به عنوان ترکیبی از نهادهای کارگری و کارفرمایی ذکر می کند و یاد آور می شود: شوراهای اسلامی کار ترکیبی از نهادهای کارگری و کارفرمایی است که باید به صورت استاندارد تعریف شود.

یک فعال کارگری دیگر معتقد است: در واقع نبود تشکل مستقل در ایران باعث شده که اصلا کارگر هیچ جایگاهی نداشته باشد و در قوانین ایران هم متاسفانه به جایگاه کارگر هیچ توجهی نشده است. هم اکنون وجود تشکل مستقل کارگران که اعضا و نمایندگان آن بدون کنترل دولت فعالیت کنند، می تواند موجب سازماندهی کارگران شود. و کارگران در این صورت امکان می یابند تا برای بهبود وضعیت زندگی خود و گرفتن حقوق خود تلاش کنند، که حقوقی بشری هستند. از جمله تلاشهای آنان بایست در جهت افزایش حقوق کارگران باشد، وی با اشاره به مشکلات عدیده کارگران اظهار می کند: مشکلات زیادی که کارگران امروز دارند یکی دستمزد کم است که به هیچ وجه جوابگوی مخارج يك خانواده چهار نفری آنچنان که در قانون کار پیش بینی شده نیست. شورای عالی کار حداقل دستمزد کارگران در ایران را ۱۸۳ هزار تومان تعیین کرده است. این در حالی است که خط فقر در ایران، بسته به اینکه در کدام شهرستان زندگی کنیم، دستمزدی میان ۳۵۰ تا ۵۵۰ هزار تومان برای خانوادهای سه نفره است.

وی در رابطه با مسائل حیاتی کارگران می گوید: از دیگر مسائل حیاتی برای کارگران برخورداری از امنیت شغلی است. مصوبه های مجلس ششم در ایران از امنیت شغلی کارگران کاسته است. این مجلس کارگاههای کوچک را که اکثریت کارگران ایران در آنها مشغول به کار هستند، از شمول قانون کار خارج کرد. کارگر بی پناه مانده و دست کارفرمایی که می خواهد حداقل تولید را با حداقل هزینه داشته باشد، برای سوء استفاده از کارگر باز است.

وی خاطر نشان می کند: هیچ دفاع حقوقی برای کارگران وجود ندارد. کارفرما راحت می تواند کارگر ۲۰ ساله را

اخراج کند. کارفرما می‌تواند کارگر را بیمه نکند. دولت خود بزرگترین کارفرماست و همه چیز باید از آنجا تعیین تکلیف شود و هیچ نماینده‌ای برای کارگر وجود ندارد که حقوق و مطالباتش را مطرح کند.

علیرضا حیدری یک فعال کارگری؛ با اشاره به عدم فعالیت تشکلهای آزاد کارگری در کشور می‌گوید: در حال حاضر تشکل آزاد و مستقلی که بتواند منافع کارگر را پیگیری کند در کشور وجود ندارد و تشکلهای کارگری همسو با دولت فعالیت می‌کنند.

این فعال کارگری؛ نشست شورای عالی کار را محدود به موارد کارکرد ذکر میداند و معتقد است: هم اکنون همایش‌هایی که با عناوین همایش ملی کار برگزار می‌شود در تعیین شاخصهایی از جمله تعیین دستمزد به این شورا می‌تواند کمک کند این در حالی است که همایشهایی از این جمله طی دو سال گذشته حذف شده است.

وی خاطر نشان می‌کند: با توجه به رویکرد وزارت کار و امور اجتماعی تشکلات همسو و موازی به عنوان تشکلات قانونی در کشور تلقی می‌شوند. و جریانهایی که با سیاست‌های وزارت کار و امور اجتماعی همخوانی نداشته باشند حذف می‌شوند لذا تصمیماتی که در شورای عالی کار گرفته می‌شود، تصمیمات مدیریت شده‌ای است که توسط دولت از قبل اتخاذ شده است.

رجبعلی شهبواری رئیس اتحادیه کارگران قراردادی نیز با انتقاد از عدم حمایت دولت نهم از تشکلهای کارگری اظهار می‌کند: هم اکنون ما به عنوان نمایندگان جامعه کارگری خواستار اجرای صحیح قانون کار در کشور هستیم در حال حاضر قانون کار به درستی در کشور اجرایی نمی‌شود لذا با اجرای دقیق این قانون بسیاری از مشکلات فرا روی جامعه کارگری و کارفرمایی در کشور اصلاح می‌شود.

در حال حاضر با توجه به این که فعالین جامعه کارگری رفع موانع تشکل‌یابی کارگران و سایر اقشار جامعه را تنها راه رسیدن به یک جامعه آزاد و دمکراتیک می‌دانند اما عدم توجه به قانون و اجرای قانون توسط مجریان و تصمیم‌گیرندگان قانونی و ضعف دانش و آگاهی نسبت به حقوق و قوانین افراد در جامعه چه در بین کارگران و علاقه‌مندان و فعالان مسائل کارگری نسبت به حقوق ملی و بین‌المللی کارگران موجب عدم رشد تشکل‌یابی قانونی کارگران شده است.

آینه روز

خبرگزاری موج

یکشنبه ۲۳ دی ۱۳۸۶